

علم امام علی علیه السلام در شعر عبدالملک انطاکی

دکتر سید محمد رضی مصطفوی نیا / ایمان فرخیان

استادیار دانشگاه قم / کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

چکیده

بدون شک فضایل و مناقب امام علی علیه السلام در جایگاه انسانی کامل، نه تنها در میان مسلمانان، بلکه در میان پیروان سایر ادیان نیز بازتاب گسترده‌ای داشته است که حاصل آن، کتب، مقالات و اشعار بسیاری است که در این باره نگاشته شده است. این شخصیت بی‌نظیر پس از چهارده قرن همچنان بزرگان و ادبا و اندیشمندان بزرگ دیگر ادیان، به‌ویژه پیروان دین مسیحیت را شیفته فضایل بی‌پایان خویش نموده است؛ در این میان عبدالملک فتح‌الله انطاکی شاعر و ادیب مسیحی، در قصیده علویه به مدح و وصف امام علی علیه السلام از جمله علم ایشان در موضوعاتی چون: تفسیر، قرائت، خداشناسی، فقه، تصوف و نحو پرداخته است. این مقاله به بررسی علم امام علی علیه السلام در شعر انطاکی از زاویه عناصر بلاغی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: امام علی علیه السلام، علم علوی، عناصر بلاغی، انطاکی.

مقدمه

بدون شک کامل‌ترین و ارزنده‌ترین نعمت از نعمت‌های خداوند، نعمت علم است که پروردگار جهانیان برای بشر ارزانی داشته است: «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم» (علق: ۵)؛ از این رو علم و دانش برای انسان بهترین فضل و بزرگ‌ترین کمال است؛ چه اینکه خداوند متعال به پیامبر ﷺ درخواست افزونی آن را دستور می‌دهد: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه: ۱۱۴). معمولاً ارزش افراد از روی دانش ایشان ارزیابی می‌شود؛ چنان‌که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «اعلم الناس من جمع الناس الي علمه و اكثر الناس قيمة اكثرهم علماً و اقل الناس قيمة اقلهم علماً» (قمی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۲۰).

و تردیدی نیست که علم امام علی عليه السلام با تمام ابعادش، از دریای بیکران علم پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله سرچشمه گرفته است و این حقیقتی غیرقابل انکار است؛ زیرا بنابر نص صریح روایات کثیری، حضرت وارث علم پیغمبر است.

ابن عباس گفته است: «علم پیامبر خدا از خداوند متعال است و علم علی عليه السلام از علم پیغمبر سرچشمه گرفته است و علم من از علم علی عليه السلام است». ایشان در ادامه می‌گویند: «... علم من و علم تمام اصحاب رسول‌الله، در مقابل علم علی، چیزی جز قطره‌ای از هفت دریا نیست» (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۱).

سرانجام به جرئت می‌توان گفت: تمام جویبارهای دانش و نهرهای فضیلت، از اقیانوس بیکران علم و بحر معنویت امیرالمؤمنین عليه السلام سرچشمه گرفته است و او بعد از پیامبر صلى الله عليه وآله نمونه کامل انسانیت است.

علی عليه السلام در جهان بشریت چنان تحول علمی ایجاد کرده است که شعاع تأثیرات آن روز به روز، رو به فزونی گذاشته تا جایی که هر قدر دانش گسترده‌تر و چراغ علم در جهان فروزان‌تر می‌شود، عظمت علمی آن حضرت نیز بیشتر جلوه‌گر می‌شود. امروز

بشریت پس از چهارده قرن پیشرفت حیرت‌انگیز علمی، در مقابل رتبه‌الای علمی و شئون فکری حضرت علیؑ قد خم می‌کند و حالت تواضع به خود می‌گیرد. نویسنده معروف لبنانی جرج جرداق در این باره می‌گوید: «ماذا علیک یا دنیا لو حشدت قواک و اعطیت فی کل زمن علیاً بعقله و لسانه و ذی فقاره» (جرداق، ۱۹۷۰م، ج ۱، ص ۴۹):

سخن در فضیلت و شخصیت علیؑ و نیز مناقب علمی ایشان پایانی ندارد؛ چه اینکه بعد از آن همه کتاب‌های مفصل و مقالات معتبر که دانشمندان مسلمان در خصوص فضایل آن حضرت تألیف کرده‌اند، نویسندگان این نوشتار نمی‌توانند سخن تازه‌ای در این باره تقدیم دارند؛ با این همه رازهای ناگفته و درهای ناسفته در این بحر فضیلت و اعجوبه خلقت همچنان وجود دارد که سزاوار گفتن و شایسته نوشتن است، به‌ویژه آنکه از زبان غیرمسلمانان، یعنی مسیحیان باشد.

جای بسی شگفتی است که شاعران و نویسندگان مسیحی‌ای که به مدح و ستایش حضرت علیؑ پرداخته‌اند، اکثر قریب به اتفاق آنان - تا آنجایی که نگارندگان پژوهش کرده‌اند - اهل لبنان‌اند؛ برای نمونه می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: رشید سلیم خوری، بولس سلامه، شکرالله جرّ، فؤاد جرداق، ژوزف هاشم، بشاره عبدالله خوری، بطرس بستانی، سلیمان بستانی، شبلی شمیل، جرجی زیدان و...

بعید نیست این مسئله (لبنانی بودن آنان) به علل زیر برگردد:

۱. وجود دانشمندان و عالمان شیعه در طول تاریخ در لبنان؛
۲. تعامل مثبت شیعیان و مسیحیان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و... که هم‌اکنون نیز شاهد آن هستیم؛

۳. برخورداری مسیحیان لبنان از رشد فرهنگی نسبتاً بالا که این موضوع می‌تواند به وجود کتابخانه‌های متعدد و چاپخانه‌های متعدد در دوره معاصر در لبنان بازگردد؛

چنانچه حنا فاخوری معتقد است: «اولین چاپخانه و چاپ کتاب در دوره معاصر در لبنان انجام شد» (فاخوری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۷)؛

۴. فضای آزاد موجود در لبنان در طول تاریخ؛ به گونه‌ای که لبنان را کشوری آزاد برای بیان عقاید هر مذهب و طایفه‌ای قرار داده است.

به طور خلاصه می‌توان گفت: وجود عالمان شیعه و فضای بحث و گفتگو و عدم وجود غرض‌ورزی و پیش‌زمینه‌های تعصب‌گونه مسیحیان، سبب شده است اغلب یا همگی ستایشگران مسیحی حضرت علیه السلام برخاسته از لبنان باشند.

در میان ستایشگران حضرت علیه السلام، بجاست از انطاکی یاد کنیم. پیش از بررسی توصیف علم امام علی علیه السلام در شعر انطاکی، نخست نگاهی گذرا به زندگی وی می‌افکنیم.

عبدالمسیح فتح‌الله انطاکی (۱۲۹۱-۱۳۴۱ق/۱۸۷۴-۱۹۲۳م)

این شاعر یونانی‌تبار در حلب به دنیا آمد و در این شهر پرورش یافت؛ با مسلمانان انس و الفت گرفت و سپس راهی مصر شد و آن‌جا اقامت کرد. او از شاگردان عبدالرحمن کواکبی و نخستین کسی است که از گرایش‌های ملی‌گرایانه و تشکیل دولت عربی یکپارچه و مستقل از ترکان و قدرت‌های شرق و غرب سخن گفت. او پس از انتشار چندین نشریه و مجله و پس از جنگ جهانی اول، برای امرار معاش به خوزستان ایران آمد و از ندیمان شیخ خزعل، معروف به محب اهل‌بیت، شد و نزد او جایگاه بلندی یافت؛ سپس «القصيدة العلوية المباركة» یا «ملحمة الامام علی علیه السلام» را سرود که ۵۵۹۵ بیت دارد، که روایت منظومی از تاریخ اسلام است (کحاله، ۱۹۹۳، ج ۲، ص ۳۱۲). او طی این قصیده، بسیاری از فضایل امام علی علیه السلام را می‌ستاید و وی را مدح می‌کند.

از جمله نکات جالب این قصیده، وحدت روی قافیه آن است که او تمام ابیات این قصیده را با یک وحدت قافیه سروده است. وی بسیاری از کلمات قصار حضرت علیؑ را نیز به نظم در آورده است.

فضیلت و عظمت امام علیؑ

علیؑ در طول تاریخ تنها انسانی است که در ابعاد مختلف و حتی متناقض که در یک انسان جمع نمی‌شوند، قهرمان است. در میان شخصیت‌های جهان هیچ کس به اندازه او مورد داوری‌های ضد و نقیض واقع نشده و در صحنه جذب و دفع، محل توجه دو قطب مخالف قرار نگرفته است. هر جا دنبال عدالت بگردید، نام علیؑ را در آنجا خواهید یافت و هر جا که در جستجوی انسانیت برآیید، نظیری برایش نخواهید یافت.

او والاترین الگو و عالی‌ترین مثال است و هیچ کس نمی‌تواند در انسانیت، عدالت، سخاوت، آزادمنشی، بخشش و شجاعت نظیر او باشد و به پایه علم، ادب، بلاغت، سعه صدر و عطوفت او برسد.

مثل یک کارگر ساده، با دستش خاک را می‌کند و در آن سرزمین سوزان، بدون ابزار، قنات می‌کند و مانند یک حکیم و نابغه می‌اندیشد و مانند یک عاشق و عارف بزرگ، عشق می‌ورزد؛ هم مانند یک قهرمان شمشیر می‌زند و هم مانند یک سیاستمدار رهبری می‌کند و هم نمونه بارزی از زهد، تقوا، عرفان، پرستش و اخلاص مطلق است و هم مانند یک معلم اخلاق، مظهر و سرمشق فضایل انسانی برای یک جامعه است (شریعتی، ۱۳۶۱ش، ص ۱۲۹)؛ از این روست که دانشمندان، ادیبان، سیاستمداران، روشنفکران، دانشگاهیان و تمامی جویندگان حقیقت و همه دوستداران نیکی و فضیلت در ادیان و مذاهب، با دیدگاه‌های مختلف فکری و فلسفی گوناگون، به

دیده تجلیل و اعجاب به این شخصیت عظیم می‌نگرند که جهان را به شگفتی وا داشته و با عدالت و انسانیتش بر جهان سایه افکنده است.

جبران خلیل جبران، ادیب بزرگ مسیحی در وصف عظمت امام علی علیه السلام می‌گوید: «فَمَنْ أُعْجِبَ بِهِ، كَانَ إِعْجَابُهُ مُوْتَوَقَّأً بِالْفِطْرَةِ وَ مَنْ خَاصَمَهُ كَانَ مِنْ أُنْبَاءِ الْجَاهِلِيَّةِ» (امین، ۲۰۰۱م، ص ۱۵۵): هر کس شیفته و دلدادۀ علی گشت، شیفتگی و دلدادگی‌اش به رشته‌های فطرت بسته است و هر کس با او دشمنی نمود، از فرزندان جاهلیت است.

انطاکی در بیان فضیلت امام علی علیه السلام می‌گوید:

فضایل المرتضى كالشَّهْبِ نَيْسَرَةٌ و كُلُّ ذِي بَصَرٍ فِي النَّاسِ رَائِيهَا

ما أَنْ تُعَدَّ لِيُحْصِيهَا الْحَسِيبُ وَ هَلْ تُحْصِي النُّجُومُ وَ تُسْتَقْصَى دَرَارِيهَا

(انطاکی، [بی‌تا]، ص ۵۱۰)

انطاکی در شعر بالا، فضیلت‌های حضرت علیه السلام را چون شهاب نورانی می‌داند که برای هر بیننده‌ای قابل رؤیت است و اشاره دارد که شمارش آن چون شمارش ستارگان غیرممکن است. وی به زیبایی در مصرع دوم این تشبیه، استفهام انکاری به کار گرفته است، و چنانچه می‌دانیم تشبیه ضمنی، تشبیهی است که به صورت معمول، مشبه و مشبه‌به در آن مشخص نشده است، بلکه در ضمن کلام ذکر می‌شود (لادقی، ۲۰۰۴م، ص ۱۴۸) و در این بیت، شمارش فضایل حضرت علیه السلام چون شمارش ستارگان دانسته شده است که امری غیرممکن است.

وی منکران فضایل حضرت علیه السلام را سه دسته می‌داند:

و لیس ینکرها آلا المکابرُ و ال حَسُودُ و الشَّانِي الْبَاغِي تَوَارِيهَا

(همان)

وی در بیت دیگری، حضرت ﷺ را به خورشید روز تشبیه می‌کند که کسی را یارای انکار نور آن نیست:

وهبهم نكروا شمسَ الضحى أفيع
می‌النَّاسُ تاللهِ عن زاهي تَلاليها

(همان، ص ۵۱۱)

در بیت دیگری می‌گوید:

و هل اكفهم بالشمس ظافرة
و قد أفاضت سناها كي تخفيها

(همان)

و در جای دیگر بیان می‌دارد:

و أظهر الحقَّ وضاحاً لأعين أه
ل الأرض كالشمس في أسنى تجليها

(همان)

چنانچه ملاحظه می‌شود، وی در بیان برتری حضرت ﷺ از تشبیه بهره برده و دیگر عناصر بلاغی را به کار نگرفته است. شاید علت آن چنین توجیه شود که به کارگیری تشبیه ساده‌ترین و اولین طریق برای فهماندن مقصود به مخاطب است و دیگر اینکه کنایه و استعاره و مجاز از نوعی پیچیدگی برخوردارند که بستر مناسبی چون وصف می‌طلبند. روش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مشبه به انطاکی در این تشبیه، خورشید است؛ زیرا کسی نمی‌تواند منکر وجود خورشید و عظمت آن شود و یا کسی را یارای انکار نیاز مردم به خورشید نیست؛ در حقیقت انطاکی با این تشبیه، نیاز به وجود شریف حضرت ﷺ را برای خواننده ترسیم می‌کند و غرض وی، تنها بیان فضیلت نیست، بلکه نیاز به وجود مبارک حضرت را نیز یادآور می‌شود.

بیان علم امام علیه السلام

امیرالمؤمنان علیه السلام به راستی اقیانوس بی کرانه دانش و دریای مواج شناخت و آگاهی و کمال است. ما هرگز نمی‌توانیم به درجات والای ایمان و بلندای قله پرفراز شناخت و آگاهی و مراتب علمی و موقعیت شکوه‌مند او پی ببریم.

انطاکی علوم امام علیه السلام را به دریا شبیه نموده و آن گاه مشبه به را به مشبه اضافه کرده، مسند قرار داده است که از نظر بلاغی خود تشبیه بلیغ به شمار می‌آید (جارم، ۱۳۷۴، ص ۲۵). وی می‌گوید:

بحر العلوم امیر المؤمنین بلا ریب و فی صدره مثنوی لآلیها
(انطاکی، [بی تا]، ص ۵۱۶)

شاعر در بیتی دیگر، امام علیه السلام را در دستیابی به ژرفای هر نکته علمی توانا می‌داند و در این راستا، از عنصر بلاغی استعاره بهره می‌گیرد. وی دقیق‌ترین و پنهان‌ترین مسئله علمی را به خافیه (پره‌های ریز / آنهایی که زیر پره‌های اصلی پرنده‌اند) تشبیه می‌کند، سپس مشبه را حذف نموده، مشبه به را به جای آن به کار می‌گیرد که استعاره صریحیه اصلیه است (هاشمی، ۱۳۷۱، ص ۳۰۵):

ما فاته ابدأ ادراک ظاهرها أو الوصول الی أخفی خوافیها
(همان)

«اقتباس» در ادبیات عرب، یکی از عناصر بلاغی است که انطاکی در بیان علم امام علیه السلام از آن استفاده کرده است و چنانچه می‌دانیم، اقتباس به کارگیری آیه‌ای از قرآن یا حدیث در شعر شاعر است (گرکانی، ۱۳۷۷، ص ۷۴).

وی به حدیث معروف «أنا مدینة العلم» اشاره می‌کند و می‌گوید:

و المصطفی شاهد حق شهادته
فیه و ان عباد الله تدریها
فقال: انی للعلم المدینة و الـ
باب العلی و منه فاز آتیها

و قال خازنَ علمی کان حیدرَةً و کان عیبتهُ فتوی و تفتیها
(همان، ص ۵۱۷)

وی در حاشیه قصیده العلویة المبارکة در این زمینه می‌گوید:
لا جدال و لا اشکال أن سیدنا علی علیه صلوات الله قد کان أعلم العلماء وافقه
الفقهاء واسمی من جمع فی صدره علوم الدنيا و الآخرة و هذا مسلم به من کل
عالم و فقیه من الاولین و الآخرین و قد شهد له المصطفی علیه الصلاة والسلام
بذلك فقال: «أنا مدينة العلم و علی بابها فمن أراد الحکمة فلیأت الباب» و قال
فیه ایضاً «خازن علمی» و قال فیه ایضاً «عیبه علمی» (انطاکی، [بی‌تا]، ۵۱۶-۵۱۷):
علوم علوی که انطاکی به آنها پرداخته است، عبارتند از: تفسیر قرآن، قرائت،
خداشناسی، فقه، تصوف و نحو. وی در بیان این علوم، از عناصر بلاغی به‌ویژه تشبیه و
اقتباس بهره برده است.

علم تفسیر

یکی از علوم اسلامی، علم تفسیر است که امیرالمؤمنینؑ در این علم پیشگام است؛
در حقیقت این علم از آن حضرتؑ در میان مردم باقی مانده است. اگر به کتب
تفسیر مراجعه شود، صحت این ادعا بر همگان روشن می‌شود؛ زیرا بیشتر تفسیر
قرآن از آن حضرتؑ و عبدالله بن عباس نقل شده است، و همه می‌دانند که
ابن عباس شاگرد حضرت علیؑ و همیشه ملازم خدمت وی بوده، و از مکتب
حضرتؑ برخاسته است.

روزی به ابن عباس گفته شد: «أین علمک من علم ابن عمک علی؟ فتبسم عبدالله
و قال: ان نسبة علمی الی علم امیرالمؤمنین کنسبة القطرة الی البحر المحيط» (ترمذی،
[بی‌تا]، ص ۲۴۵/تستری، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۷۲۹).

انطاکي در بيان علم تفسير، حضرت علي عليه السلام را مبدأ آن مي‌داند و وي را از مصاديق راسخون ذکر مي‌نمايد که معاني دقيق آيات قرآني را مي‌فهمد. وي علت پيشگامي و سرآمدی حضرت عليه السلام در علم تفسير را، ملازمت هميشگی وي با پيامبر اسلام صلى الله عليه وآله مي‌داند. او در پايان در اشاره به احاديث، از اقتباس بهره مي‌گيرد:

لا يدرك الآي الا الراسخون بعلم ال
دين من فقهوا سامي معانيها
و هم لقد فسروها بعد ان درسوا
ميقات تنزيلها مع قصد موحياها
على الألي صجواطه و قد شهدو
ها نازلاتٍ عليه في متانيها
(انطاکي، همان، ص ۵۱۴)

وي در بيتي، حضرت عليه السلام را در بين اصحاب، بي نظير دانسته، مي‌گويد:
و لم يكن بين اصحاب الرسول ذك
ي - مثله بين طيبها و مكها
(همان)

انطاکي ضمن اشاره به حديث معروف: «سلوني قبل ان تفقدوني»، چنين ادعايي را از حضرت عليه السلام شگفت آور نمی‌خواند؛ زيرا به اعتقاد او، فقط شخص حضرت علي عليه السلام است که آيات قرآن و سخنان پيامبر صلى الله عليه وآله را درک کرده، به کنه آن رسیده است:

يعى و يدرك آيات الكتاب و أق
و مال الرسول و يستجلى خوافيها
قما عجب اذا ما كان أفضل من
قد فسّر الآي و استقصى فحوايها
و قال هي أسألوني في شريعتكم
من قبل ان تفقدوني عن مراميها
(همان، ص ۵۱۴-۵۱۵)

وي در پايان اين بحث (علم تفسير)، به زيبايي «حسن انتها» را با اقتباس از حديث ابن عباس به کار گرفته است. حسن انتها يا حسن ختام، به اين معنی است که «سروده در جاي مناسب، با سخني زيبا که تأثير آن در ذهن شنونده يا خواننده بيشتر است، پايان پذيرد» (خطيب قزويني، ۲۰۰۴م، ص ۴۲۴).

انطاکی می گوید:

وقیل يوماً لعبد الله: أینک من
علی من منکما قد فاق تفقیها
فقال: نسبة علمی للعلی کنسـ
بـة القَطِیرة للأبحار ضافیها
(همان)

علم قرائت

علم قرائت قرآن کریم، از قدیمی ترین علوم اسلامی است و پیدایش آن در زمان رسول اکرم ﷺ و همراه با نزول قرآن بوده است. چگونگی آن نیز از مبدأ وحی به وسیله جبرئیل امین بر ایشان نازل شده است و همگان موظف‌اند به همان طریق، قرائت و احکام الهی را از آن استنباط کنند (پورفرزیب، ۱۳۷۴، ص ۱۸).

انطاکی در میان علم قرائت به موضوعات ذیل، حضرت علیؑ را سرآمد دیگر اصحاب می‌داند:

۱. حفظ قرآن؛

۲. کتابت آیات؛

۳. جمع آیات؛

۴. حفظ قرآن از تحریف؛

۵. مبدأ علم قرائت و رجوع قرائت مختلف به حضرت ﷺ.

وی در مورد حفظ قرآن می گوید:

ما کانَ یحفظُ الا المرتضیٰ یحیا
ة المصطفیٰ الای فی سامی تتالیها
(انطاکی، همان، ص ۵۱۵)

انطاکی درباره کتابت آیات می گوید:

کذلک کُتِبَ القراءاتِ التي نُشِرت
تَجَلُّو حقیقَةً ما قُلنا و تُبَدِیها
(همان، ص ۵۱۶)

وی درباره جمع آیات نیز ابراز می‌دارد:

فَكَانَ جَامِعَهَا بَعْدَ الشَّتَاتِ بُقْرَ
آن كَمَا نَزَلَتْ هَدِيًّا لِأَهْلِهَا

(همان، ص ۵۱۵)

درباره حفظ قرآن از تحریف نیز می‌گوید:

و ضابطاً بَعْدَ تَدْقِيقِ قِرَاءَتِهَا
كِي يَا مَنْ الْخَطَأَ الْمَجْحُودَ قَارِيهَا
أَرَادَ فِي ذَاكَ صَوْنَ الْآيِ مِنْ خَطَرِ ال
تَحْرِيفِ إِنْ تَرَكْتَ فَوْضَى لِتَالِيهَا

(همان، ص ۵۱۶)

انطاکي درباره رجوع قرائات به حضرت ﷺ می‌گوید:

أَمَّا أئِمَّةُ قُرَّاءِ الْكِتَابِ إِلَى ال
سَّلْمِي تَرْجِعُ فَاعْلَمِ أَنَّ سَلْمِيهَا
قَد كَانَتْ تَلْمِيذُهُ عَنْهُ قَدْ اتَّخَذَ ال
قِرَانَ مَجْمُوعَةً صَحَّتْ أَمَالِيهَا

(همان)

چنانچه ملاحظه می‌شود، انطاکي در بیان حفظ قرآن، از اسلوب قصر استفاده

می‌کند و بدین وسیله حفظ قرآن را مختص حضرت علی ﷺ می‌داند.

بیت آخر که خود حسن ختام به شمار می‌آید و به نوعی اقتباس را نیز نشان می‌دهد، اشاره به روایتی است که حفص از عاصم نقل می‌کند که او گفت: «هرچه از قرائت به تو یاد دادم، همان است که در نزد ابو عبدالرحمن سلمی یاد گرفته‌ام که او

نیز از علی بن ابی‌طالب ﷺ فرا گرفته بود» (ابن جزری، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۳۴۸).

علم کلام (خداشناسی)

علم خداشناسی از هر علمی ارزشمندتر است؛ زیرا ارزش هر علمی بسته به ارزش معلوم آن است. ذات باری تعالی اشرف همه وجودهاست؛ بنابراین الهیات نیز اشرف علوم است. این علم را دانشمندان اسلامی از حضرت علی ﷺ گرفته، از او نقل کرده‌اند و به او نیز منتهی می‌شود.

سرآمد فرقه معتزله «واصل بن عطاء»ست. وی شاگرد عبدالله پسر محمد حنفیه و وی نیز شاگرد پدرش امیرالمؤمنین علیؑ است (سعیدی، ۱۳۶۸، ص ۱۹۱).
فرقه اشعری و اهل جبر نیز که منسوب به ابوالحسن اشعری است، به همین شکل است. اشعری شاگرد ابوعلی جبائی و وی شاگرد واصل بن عطاء و وی نیز با واسطه، شاگرد مولیؑ است (همان).
انطاکی نیز علم خداشناسی را بالاترین و شریف‌ترین علوم می‌داند؛ زیرا به ذات خداوند اختصاص دارد:

أَسْمَى الْعُلُومِ وَأَعْلَاهَا وَحَقِّكُمْ العلم الذي كان مختصاً بباريها
(انطاکی، همان، ص ۵۱۷)

انطاکی در بیتی دیگر حضرت علیؑ را سرچشمهٔ این علوم می‌داند و معتزله، اشاعره، امامیه و زیدیه را شاگردان حضرت علیؑ ذکر می‌کند:

و عنه قد أخذَ الناسُ الهدايةَ للعلم علم الالهی فی أسنى مجالیها
وإنَّ مُعتزلیها هُم تلامیذةٌ له بغيرِ مِرا مع أشعریها
كذا الإمامیة المحمودُ منشئها مع الزیود فما إلهُ منشئها
(همان)

انطاکی این علوم را به راه‌هایی تشبیه می‌کند که حضرت علیؑ آنها را برای هدایت رهروان، ترسیم کرده است:

طرائقُ خطَّها رُشداً أبو حَسَنٍ لُسَالِکِها فَمَا ضَلُّوا مَمَاشِیها
(همان)

علم فقه

یکی دیگر از علوم اسلامی، علم فقه و احکام دین است که پایه و اساس آن از حضرت علیؑ است. انطاکی اشاره می‌کند: بزرگان فرقه‌های اسلامی به نحوی

شاگرد علی علیه السلام بوده‌اند. او در این راستا، به ابن عباس و عمر بن خطاب اشاره می‌کند و در پایان این مبحث، به حدیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گریزی می‌زند.

وی حضرت علی علیه السلام را مؤسس علم فقه می‌داند:

و المُرْتَضَى جَعَلَ الْفِقْهَ الْمَشْرِفَ عَل
و عَنْهُ قَدْ أَخَذَ النَّاسُ التَّفَقُّهَ فِي
مَاءَ ذَا أَصُولٍ لَهُ تُنْمَى أُمَالِيهَا
شَرِيعَةَ اللَّهِ سِنِّيَّهَا وَ شِيعِيَّهَا
(همان)

انطاکی در بی‌تی دیگر به فقهای صحابه اشاره می‌کند که آنها نیز فقه را از حضرت

علی علیه السلام دریافت نموده‌اند:

عَلَيْهِ قَدْ قَرَأَتْ فِقْهَ الشَّرِيعَةِ اص
فَذَا ابْنُ عَبَّاسٍ عَبْدُ اللَّهِ صَاحِبُهُ
و هُوَ ذَا عُمَرَ أَحْكَامُ إِمْرَتِهِ
حَابُّ الرِّسُولِ وَ أَبَدَتْ فَضْلَ مُقْرِبِيهَا
مِنْهُ فَقَا هَتْهُ الْغَرَاءُ جَانِيهَا
قَدْ كَانَ حَسْبَ فَتَاوِيهِ يَجْرِيهَا
(انطاکی، همان، ص ۵۱۸)

همچنین او اشاره می‌کند که هر فقیه شیعی، فتاوی خویش را مرهون حضرت

علی علیه السلام است:

وَ كُلُّ مُجْتَهِدٍ فِي أَهْلِ شِيعَتِهِ
مِنْهُ الْفَتَاوَى تَلَقَّاهَا وَ يَرُويهَا
(همان)

انطاکی به ائمه اهل تسنن نیز اشاره می‌کند. او می‌گوید:

وَ مَا أئِمَّةُ أَهْلِ السُّنَّةِ الْفُقَهَاءُ
أَلَّا تَلَامِيذُهُ عَنْهُ لَقَدْ أَخَذَتْ
كَذَا إِلَى الْمُرْتَضَى بِالْفِقْهِ تَرْجِعُ أُر
ءِ الْمُسْتَجَاذَةِ فِي الدُّنْيَا فَتَاوِيهَا
عُلُومُهَا وَ عَهْدِنَاهُ مُرَبِّيَّهَا
بَابُ الْمَذَاهِبِ فِي الْإِسْلَامِ بَاقِيهَا
(همان، ص ۵۱۹)

وی در بی‌تی، به حدیث مشهور «أقضاكم علي» اشاره می‌کند:

و المصطفى قال: أقضاكم أبو حسنٍ
و الناسُ قد شهدَتْ رَشْدًا بِقَاضِيهَا

انطاکی در بیتی، فقها را به «عیلة»، یعنی خانواده و اهل و عیال تشبیه می‌نماید که حضرت ﷺ سرپرست آنهاست. وی در این تشبیه، به زیبایی نیاز فقها به حضرت ﷺ را ترسیم می‌کند:

و إِنَّمَا فَتَاهُ الْمُسْلِمِينَ عَلَيْهِ عَيْلَةٌ حَاجُّهَا مَا أَنْفَكَ كَافِيهَا
(همان، ص ۵۱۸)

علم طریقت و تصوف

یکی دیگر از علوم، علم طریقت و حقیقت و احوال تصوف است. همه ارباب تصوف در تمام بلاد اسلامی خود را منسوب به آن حضرت ﷺ می‌دانند و در شمردن بزرگان خود وقتی به علی ﷺ می‌رسند، توقف می‌کنند (سعیدی، ۱۳۶۸، ص ۱۹۳)؛ چنان‌که بزرگان صوفیه مانند شبلی و جنید بغدادی و سری مسقطی و ابوزید بسطامی و ابومحفوظ معروف کرخی و دیگران، به این مطلب تصریح نموده‌اند (همان، حاشیه قصیده علویه، ص ۵۱۹).

انطاکی نیز سرچشمه علم تصوف را از آن حضرت علی ﷺ می‌داند:

إِنَّ التَّصَوُّفَ فِي شَتَّى طَرَائِقِهِ لِتَابِعِيهِ الْأَلِيِّ بِالزُّهْدِ تَمْشِيهَا
وَعَنهُ قَدْ أَخَذَتْ سَامِي مَبَادِيهَا
بِذَاكَ صَرَّحَ أَقْطَابُ الطَّرَائِقِ تَصَدُّقًا
رِيحًا وَ نَادُوا بِهِ فِي النَّاسِ تَجْرِيهَا
(انطاکی، همان، ص ۵۱۹)

علم نحو

یکی دیگر از علوم اسلامی، علم نحو و ادبیات عرب است. همگان اذعان دارند مبتکر این فن، حضرت علی ﷺ است و در حقیقت آن حضرت بود که اصول و قواعد آن را

برای ابوالأسود دوئلی انشا و املا نمود؛ از جمله فرمود: کلام بر سه قسم است (سیرافی، [بی‌تا]، ص ۱۵/زبیدی، [بی‌تا]، ص ۲۰).

انطاکی به تأسیس نحو توسط حضرت علیه السلام و تقسیم کلمه به اسم و فعل و حرف و نیز تقسیم آن به معرفه و نکره و انواع اعراب و تقسیم حرکات به ضم و نصب و جر و جزم، اشاره می‌کند:

| | |
|---------------------------------------------------|------------------------------------------------|
| فقال: الفأظها مَهْمَا تَنَوَّعَتِ اسْمٌ | مٌ ثُمَّ فَعْلٌ وَ حَرْفٌ فِي تَجَزِّيَّهَا |
| وَ هُوَ الَّذِي قَالَ فِي الْأَسْمَاءِ مَعْرِفَةٌ | وَ شَامِلٌ نَكَرَاتِ الشَّيْءِ يَعْنِيهَا |
| وَ هُوَ الَّذِي قَسَمَهُ الْأَعْرَابَ بَيْنَهَا | رَفْعاً وَ نَصَباً وَ خَفْضاً فِي تَتَالِيهَا |
| وَ هُوَ الَّذِي جَاءَ فِي شَتَّى قَوَاعِدِهِ | إِلَى أَبِي الْأَسْوَدِ الْمَعْرُوفِ يَرُويهَا |

(انطاکی، همان، ص ۵۲۰-۵۲۱)

وی در بیتی دیگر، به وجه تسمیه نحو اشاره می‌کند:

| | |
|-----------------------------------------------|--------------------------------------------|
| و قال: يا صاحِ هذا النحوُ أنحُ بلا | بُطءٍ وَ تَمِّمَ مَهَاماً كُنْتُ بَادِيهَا |
| لِذَاكَ قَدَدُعَيْتَ تِلْكَ الْقَوَاعِدُ نَحْ | وَأَ حَسَبَ امْرِ عَلَى وَ هُوَ مَوْحِيهَا |

(همان)

نتیجه

طبق آنچه گذشت، روشن شد شخصیت و سخنان امام علی علیه السلام از چنان جذابیتی برخوردار است که نه تنها مسلمانان، بلکه شاعران مسیحی، از جمله انطاکی نیز همدل و همزبان با مسلمانان به ستایش و مدح حضرت علیه السلام پرداخته‌اند.

انطاکی در این راستا (در بیان فضیلت و برتری امام علیه السلام) به علوم وی اشاره می‌کند. از جمله علومی که وی به مدح آنها پرداخته، تفسیر، قرائت، نحو، فقه و خداشناسی است. وی در ذکر این علوم از عناصر بلاغی به‌ویژه اقتباس و تشبیه کمک

گرفته است و سبب آن نیز به مسائل تاریخی باز می‌گردد که مؤیدات آن، احادیث و روایات وارده در شأن حضرت علیه السلام است.

وی سبب سرآمدی امام علی علیه السلام در بین اصحاب را ملازمت حضرت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌داند. انطاکی در بیان هر علمی، در پایان، از «حسن انتها» بهره گرفته که به زیبایی اقتباس را در خود جای داده است. از جمله نتایج دیگر این مقاله، «حسن ابتدا» و «براعت استهلال» در هر بحثی است که وی آغاز می‌کند.

انطاکی درباره علم امیرالمؤمنین علیه السلام از عبارت «بحرالعلوم...» و درباره فضایل حضرت علیه السلام از «فضایل المرتضی کالشهب...»، و در تفسیر «لایدرک الآی الّا الراسخون...»، در قرائت قرآن «ما کان یحفظ الا المرتضی»، در خداشناسی «أسمى العلوم و اعلاها...»، در فقه «المرتضی جعل الفقه...»، در تصوف «انّ التصوف... المرتضی...»، و در نحو «ما کانت العرب...» استفاده می‌کند؛ عبارت‌هایی که در آغاز هر بحث، سخن را لطیف و جذاب کرده‌اند؛ به گونه‌ای که شنونده را برای گوش فرا دادن به همه سخن به خود جذب می‌کند.

منابع

- قرآن.
- ۱. ابن جزری، شمس‌الدین؛ طبقات القراء؛ مصر: مطبعة بولاق، [بی‌تا].
- ۲. امین، حسن؛ دایرةالمعارف الاسلامیة الشیعیة؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۲۰۰۱م.
- ۳. انطاکی، عبدالمسیح؛ القصیدة العلویة المبارکة؛ مصر: مطبعة رعمسیس، [بی‌تا].
- ۴. پورفرزب، ابراهیم؛ تجوید جامع؛ تهران: سمت، ۱۳۷۴.
- ۵. ترمذی، محمد صالح؛ مناقب مرتضوی؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
- ۶. تستری، قاضی نورالله؛ احقاق الحق و ازهاق الباطل؛ قم: مصطفوی، ۱۴۰۱ق.
- ۷. جارم، علی؛ بلاغة الواضحة؛ قم: سیدالشهداء، ۱۳۷۴.
- ۸. جرداق، جرج؛ الامام علی؛ صوت العدالة الإنسانية؛ ج ۶، الطبعة الثانية، بیروت: مكتبة الحياة، ۱۹۷۰م.
- ۹. زبیدی، محمد حسن ابوبکر؛ طبقات النحویین و الغویین؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
- ۱۰. سعیدی، سید ابراهیم؛ علی آیینہ حق‌نما؛ تبریز: آذربادگان، ۱۳۶۸.
- ۱۱. سیرافی، حسن بن عبدالله؛ اخبار النحویین البصریین؛ مصر: مطبعة بولاق، [بی‌تا].
- ۱۲. شریعتی، علی؛ علی؛ تهران: نیلوفر، ۱۳۶۱.
- ۱۳. طوسی، محمد بن حسن؛ امالی؛ قم: دارالثقافة، مؤسسة البعثة، ۱۴۲۴ق.
- ۱۴. فاخوری، حنا؛ الجامع فی تاریخ الأدب العربی؛ قم: مطبعة ذوی القربی، ۱۳۸۲.
- ۱۵. قزوینی، جلال‌الدین؛ الايضاح فی علوم بلاغة؛ بیروت: مكتبة المصرية، ۲۰۰۴م.
- ۱۶. قمی، عباس؛ سفینة البحار و مدینة الحكم و الآثار؛ تهران: کتابخانه سنایی، [بی‌تا].
- ۱۷. کحاله، عمر رضا؛ معجم المؤلفین؛ ج ۲، الطبعة الثالثة، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۳م.
- ۱۸. گرگانی، محمدحسین؛ ابداع البدایع؛ تبریز: احرار تبریز، ۱۳۷۷.
- ۱۹. هاشمی، احمد؛ جواهر البلاغة؛ قم: مرکز النشر، ۱۳۷۱.